

اثر بخشی مداخله رفتاری بر میزان تعارضات بین فردی، پاسخهای رفتاری و ادراک خود کار آمدی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری

زهره لطیفی*^۱، دکتر مختار ملک پور^۲، دکتر شعله امیری^۳، دکتر حسین مولوی^۴

پذیرش نهایی: ۸۸/۹/۱۰

تجدیدنظر: ۸۸/۸/۹

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۲۲

چکیده

هدف: این تحقیق به منظور بررسی تأثیر مداخله رفتاری بر کاهش تعارضات بین فردی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری انجام شد. روش: جامعه آماری را کلیه دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی دارای ناتوانی یادگیری که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در استان اصفهان مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می دادند که از بین آنان، تعداد ۳۰ نفر به شیوه هدفمند انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه طی دو ماه و نیم به صورت هفتگی تحت مداخله رفتاری شامل آموزش مهارت های ارتباط اجتماعی، شناخت و تنظیم هیجانات و دوست یابی، قرار گرفتند. ابزارهای اندازه گیری در این پژوهش، آزمون وکسلر، چک لیست ناتوانی های یادگیری، آزمونهای خواندن، نوشتن و ریاضیات و آزمون "موقعیتهای مبهم اجتماعی" برای سنجش تعارضات بین فردی بود. یافته ها: نتایج حاکی از آن بود که مداخله رفتاری به صورت معناداری تعارضات بین فردی گروه آزمایش را در مقایسه با گروه کنترل در مرحله پس آزمون و پی گیری، کاهش داده است. نتیجه گیری: با توجه به اینکه علاوه بر مشکل یادگیری، دانش آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری از لحاظ اجتماعی، آمار بالاتری از افسردگی، تنهایی و عزت نفس پایین را تجربه می کنند، با انجام مداخله فوق می توان به بهبود روابط بین فردی آنان کمک کرد.

واژه های کلیدی: ناتوانی های یادگیری، مداخله رفتاری، تعارضات بین فردی.

مقدمه

سه بعد ضعف دارند: (۱) در تفسیر سرنخهای متنوع محیطی، (۲) در تولید راه حل های جانشین برای حل تعارضات و (۳) ارزیابی پیامد راه حل های احتمالی، ناتوانی در مهارت های اجتماعی، احتمالاً مهم ترین مشکل این دسته از دانش آموزان است؛ به این علت که ناتوانی در مهارت های اجتماعی، در چگونگی عملکرد حوزه های مختلف زندگی شامل مدرسه، خانه، و حتی در بازی، اثر می گذارد (لاووی، ۲۰۰۵). بندر و اسمیت (۱۹۹۰) و کاول و فورنس (۱۹۹۶) معتقدند کودکان و

تحقیقات متعددی نشان داده اند که کودکان با ناتوانی یادگیری مشکلات بیشتری را در حل تعارضات بین فردی، به مثابه یکی از ابعاد مهم و پیچیده قابلیت اجتماعی، تجربه می کنند، و از این نظر، در سطحی پایین تر از کودکان عادی، قرار دارند (تورو، ویسبرگ، گوارولایین اشتین، ۱۹۹۰، وان وسینا گوب، ۱۹۹۸، راش کنید، ۲۰۰۷). در همین زمینه، هافمن (۲۰۰۴) معتقد است که کودکان با ناتوانی یادگیری در مقایسه با کودکان عادی، در مواجهه با تعارضات بین فردی، در

* (Email: z.latifi@psyc.ui.ac.ir)

۱- نویسنده رابط: عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور- اصفهان

۲- استاد گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

۳- استادیار گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

۴- استاد گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

تعارضات بين فردى از جمله ناتوانى در به كار گيرى مهارتهاى اجتماعى و ناتوانى يا فقدان خودكارآمدى كه مى توانند عملکرد تحصيلى و اجتماعى کودکان با ناتوانى يادگيرى را به گونه اى منفى تحت تأثير قرار دهند و بر روابط بين فردى، شخص اثر گذارند و موجب طرد و انزوای فرد شوند (ميش نا، ۲۰۰۳، ويل مات وهاكر، ۲۰۰۱) اهميت به كارگيرى برنامه هاى مداخله اى به منظور کاهش يا از ميان بردن اين مشكلات، ضرورت مى يابند. در اين رابطه گريفين (۱۹۹۵) تحقيقي در مورد آموزش مهارتها و قابليت هاى اجتماعى روى گروهى از کودکان با ناتوانى يادگيرى ۱۰ تا ۱۲ ساله انجام داد. او برنامه مداخله اى ده هفته اى را با محتوای آموزش حل مسئله اجتماعى به سبك رفتارى به منظور کاهش مشكلات بين فردى طراحى و اجرا كرد و به اين نتيجه رسيد كه اين آموزش، مى تواند موجب افزايش قابليت اجتماعى شود و به تعميم و تداوم مهارتهاى فوق نيز كمك كند. واكلكا، كتز و راجر^۱ (۱۹۹۹) نيز اثر بخشى درمان شناختى- رفتارى را با استفاده از فنون تن آرامى، خودگويى مثبت، تصويرسازى ذهنى هدايت شده و آموزش مهارتهاى مطالعه، در کاهش اضطراب امتحان و بهبود عزت نفس تحصيلى دانش آموزان با ناتوانى يادگيرى مؤثر، گزارش دادند(به نقل از هافمن ۲۰۰۷ و حميد، ۱۳۸۶).

ويژگيهاى روان شناختى، مشكلات رفتارى، حالات خلقى و همايندى ساير اختلالات روانى دوران كودكى با ناتوانى يادگيرى لزوم توجه و انجام مداخلات بهنگام و پيشگيرانه را براى اين گروه از کودکان آشكار مى سازد، زيرا كه اين گروه از کودکان در معرض خطر بيشترى براى اختلالات درون سازى شده نظير اضطراب و افسردگى و همچنين رفتارهاى مخرب و ناسازگارانه هستند (كاظمى، ۲۰۰۶). با توجه به يافته هاى فوق، شناسايى اين قبيل دانش آموزان و دادن راهكارهاى مناسب و منطبق با ويژگيهاى آنان، حائز اهميت فراوانى است و اين پژوهش تلاشى بود به منظور چاره

نوجوانان با ناتوانى يادگيرى، دچار مشكلات اجتماعى مانند پايين بودن عزت نفس و خودكارآمدى، مشكلات عاطفى مانند افسردگى و مشكلات ارتباطى و بين فردى مانند پرخاشگري هستند. پژوهشهاى قبلى در مورد کودکان با ناتوانى يادگيرى عمدتاً بر مشكلات يادگيرى، تحصيلى و شناختى اين کودکان، متمرکز بوده است و مداخلات نيز بر همين مبنا طراحى شده اند (تورو، ويس برگ، گاروليبستين ۱۹۹۰، آمورى، ۲۰۰۷). پالو (۲۰۰۶) بيان مى كند كه آموزشهاى ترميمى تحصيلى متعددى براى کودکان با ناتوانى يادگيرى در نظر گرفته شده است، اما، نيازهاى اجتماعى و عاطفى اين گروه، به ندرت، مورد نظر قرار گرفته، مگر وقتى كه بر حوزه تحصيلى آنان اثر منفى گذاشته باشد. امين بيگى (۱۳۷۷) در گزارش خود در خصوص مقايسه توانمندى حل مسئله اجتماعى اظهار مى كند كه کودکان با ناتوانى يادگيرى، در مراحل مختلف حل مسئله با كاستيهائى روبه رو هستند. تحقيق حجازى و شكورى فرد (۱۳۷۸) نيز مبين اين است كه رفتار انتخابى کودکان با ناتوانى يادگيرى، در مواجهه با تعارضات ميان فردى و موقعيتهاى مبهم اجتماعى، عمدتاً پرخاشگري و كناره گيرى است. در همين زمينه شهيم (۱۳۸۲) در تحقيقي، به مقايسه مهارتهاى اجتماعى و مشكلات رفتارى در دو گروه از کودکان عادى و با ناتوانى يادگيرى در خانه و مدرسه پرداخته و گزارش داده كه از ديدگاه والدين، کودکان با ناتوانى يادگيرى، در زمينه كسب مهارتهاى اجتماعى، در سطحى پايين تر از کودکان عادى قرار دارند و مشكلات رفتارى بيشترى از خود بروز مى دهند. نتايج تحقيق كرمعللى و همكاران (۱۳۸۵) تحت عنوان "بررسى مهارت حل مسئله اجتماعى در دانش آموزان با ناتوانى يادگيرى" نيز يافته هاى فوق را تأييد كرد. كراينين (۱۹۸۷) در پژوهش خود دريافت كه کودکان با ناتوانى يادگيرى سطح بالاترى از درماندگى آموخته شده را در تعارضات بين فردى و مشكلات هيچانى، تجربه مى كنند. با توجه به اهميت

روانی (۲۰۰۵) و آزمونهای خواندن (شفیعی، ۱۳۸۷) و نوشتن (فلاح چای، ۱۳۷۳) و آزمون ریاضی ایران کی - مت (محمد اسماعیل، ۱۳۸۷) در سه حوزه خواندن، بیان نوشتاری و ریاضیات برای حضور در پژوهش، مورد سنجش و تأیید قرار گرفتند. از بین این ۳۰ نفر ۱۵ نفر به طور تصادفی، در گروه آزمایش ۱۵ نفر در گروه کنترل گماشته شدند. گروه‌های آزمایش و کنترل هر یک متشکل از ۱۰ دانش‌آموز پسر و ۵ دانش‌آموز دختر بودند. بررسی پرونده سلامت دانش‌آموزان و مصاحبه بالینی مبتنی سلامت عمومی آنها بود و هیچ‌کدام از اعضای گروه و ناتوانی، همراه دیگری نداشتند. ۱۰ نفر از گروه آزمایش کلاس پنجم و ۵ نفر آنان کلاس چهارم ابتدایی بودند. ۶ نفر دچار ناتوانی در بیان نوشتاری، ۴ نفر دچار ناتوانی در ریاضیات، ۴ نفر دچار ناتوانی در خواندن و نوشتن و ۲ نفر دچار ناتوانی هم در ریاضیات هم در بیان نوشتاری بودند. میانگین هوشی این گروه، براساس آزمون و کسler ۹۶/۵ بودند. میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه آزمایش و کنترل به ترتیب ۱۰/۹۳ (۰/۷۷) و ۱۰/۸۸ (۰/۷۲) و میانگین و انحراف استاندارد معدل گروه آزمایش و کنترل به ترتیب ۱۴/۸۵ (۲/۳) و ۱۴/۶۵ (۲/۶۵) محاسبه شد.

ابزار پژوهش

۱- آزمون هوش هنجار شده وکسلر (شهیم ۱۳۸۵). مقیاس هوش وکسلر برای کودکان (ویسک) در سال ۱۹۶۹ به وسیله وکسلر برای سنجش هوش کودکان، تهیه شده است؛ این مقیاس بر خلاف مقیاسهای انفرادی مشابه، به صورت سطوح سنی تنظیم نشده، بلکه دارای آزمونهای فرعی بود که ماده‌های هر آزمون، به ترتیب دشواری مرتب شده است. هر یک از آزمونهای فرعی توانایی متفاوتی را می‌سنجند و مجموع آن، هوش کلی را نشان می‌دهد. این مقیاس (ویسک) فرم نزولی مقیاس هوش وکسلر بزرگسالان (ویز) است که بسیاری از پرسشهای آن، از میان

جویی مشکل گروه نسبتاً وسیعی از دانش‌آموزان که تاکنون یا به طور کلی مورد غفلت قرار گرفته‌اند و یا فقط به پاره‌ای از مشکلات آنان، یعنی فقط زمینه تحصیلی آنها توجه شده است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر مداخله رفتاری بر کاهش تعارضات بین فردی کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در مقایسه با گروه کنترل بود.

روش

جامعه آماری در تحقیق حاضر، همه کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در سنین ۱۰ تا ۱۱ (پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی) استان اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ بودند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. این تحقیق طی پنج مرحله انجام گرفت؛ مرحله اول: تشخیص کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری. مرحله دوم: سنجش تعارضات بین فردی کودکان با ناتوانی یادگیری. مرحله سوم: اعمال مداخله آموزشی به روش رفتاری. مرحله چهارم: بررسی اثر بخشی مداخله با در نظر گرفتن سایر متغیرهای مؤثر در گروه کنترل و گروه آزمایش، مرحله پنجم: بررسی توانایی تداوم و نگهداری مهارتهای کسب‌شده در دوره آموزشی پس از یک ماه. بنابراین روش اصلی این تحقیق روش نیمه‌آزمایشی بود. براساس هماهنگی با سازمان آموزش و پرورش استان و پیرو ارسال بخشنامه در مهر ماه ۱۳۸۷ مبنی بر ارجاع دانش‌آموزان مشکوک به ناتوانیهای یادگیری با توجه به دوره‌های ضمن خدمت معلمان مقطع ابتدایی، دانش‌آموزان زیادی به مرکز ناتوانیهای یادگیری استان اصفهان مراجعه کردند که از بین آنان، پس از توجیه هدف پژوهش ۳۰ نفر انتخاب شدند و براساس تشخیص گروهی متشکل از دو روان‌شناس، دو روان‌پزشک، دو کارشناس ناتوانیهای یادگیری و یک کارشناس گفتار درمانی و با توجه به نمرات هوش آنها، در آزمون و کسلر، چک لیست ناتوانیهای یادگیری در راهنمای آماری تشخیص و طبقه بندی بیماریهای

آزمون از طریق فرمهای همتا ۰/۹۰ و با روش باز آزمایی ۰/۷۷ و اعتبار آن به طریق اعتبار محتوایی بررسی و تأیید شده است.

۵- آزمون بیان نوشتاری (فلاح چای، ۱۳۷۳): در این پژوهش از آزمونهای املا که توسط فلاح چای تهیه و اعتبار یابی شده، استفاده شده است. روایی این آزمون را متخصصان و معلمان مجرب تشخیص داده‌اند و پایایی آن با روش پایایی مصححان ۰/۹۵ تخمین زده شده است.

۶- آزمون موقعیتهای مبهم اجتماعی اردلی و آشر (۱۹۹۶). این آزمون برای بررسی تعارضات بین فردی در کودکان ۱۲ تا ۹ ساله ساخته شده است، و شامل قضاوت و واکنش کودک در مورد ۶ داستان کوتاه دارای ابهام، مسایل مشابه با موقعیتهای واقعی زندگی کودک، است. در هر موقعیت فرضی، کودک باید تصور می‌کرد که یک کودک همسال و همجنس، عملی را انجام می‌دهد که موجب مشکل و آسیبی برای او می‌شود، اما مشخص نبود که این عمل را عمدی انجام داده یا اتفاقی است؟ سپس نحوه واکنش کودک مورد بررسی قرار گرفت، اجرای آزمون در این تحقیق به صورت مصاحبه فردی و به طور انفرادی انجام شد. این پژوهشگران ضرایب آلفای کرونباخ را در دفعات مختلف اجرا، بین ۰/۹۴ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. روایی محتوایی این آزمون را پنج تن از استادان دانشگاه تهران (شکوری فرد ۱۳۷۷) و ۵ تن از استادان دانشگاه اصفهان در این تحقیق بررسی و تأیید کرده‌اند. این آزمون دارای یک نمره کل تعارضات بین فردی و ۴ خرده‌مقیاس شامل اسناد نیت، واکنش رفتاری، هدف رفتاری و میزان خود کارآمدی است.

۷- فرم نظر سنجی والدین و معلمین در مورد چهار خرده‌مقیاس آزمون موقعیتهای مبهم اجتماعی (محقق ساخته).

۸- مصاحبه بالینی: پس از ارزیابی با ابزارهای فوق و تشخیص با ناتوانی یادگیری این گروه مجدداً به‌وسیله یک روان‌شناس بالینی کودک به منظور

پرسشهای مقیاس ویز برگزیده و پرسشهای جدید ساده‌تری، به آنها افزوده شده است. مقیاس ویسک ۲۵ سال پس از تدوین، در ۱۹۷۴ مورد تجدید نظر و هنجاریابی قرار گرفت و مقیاس هوش و کسلر کودکان تجدید نظر شده (ویسک-آر) نامیده شد. این مقیاس دارای ۱۲ زیرآزمون است که ۲ آزمون آن جنبه ذخیره‌ای و ۶ آزمون کلامی و ۶ آزمون غیرکلامی (عملی) است. اعتبار و روایی مطلوب این آزمون، در تحقیقات متعدد داخلی و خارجی تأیید شده است.

۲- چک لیست تشخیصی در راهنمای آماری تشخیص و طبقه‌بندی بیماریهای روانی.

۳- آزمون ریاضیات ایران کی - مت. آزمون ایران کی- مت که در ایران برای دانش‌آموزان ۶/۶ تا ۱۱/۸ ساله هنجاریابی شده، از لحاظ گستره و توالی شامل سه بخش زیر است: الف- حوزه مفاهیم اساسی که از سه آزمون فرعی تشکیل می‌شود: شمارش، اعداد گویا و هندسه. ب- حوزه عملیات که عبارت است از: جمع، تفریق، ضرب، تقسیم و محاسبه ذهنی. ج- حوزه کاربرد که شامل پرسشهایی است که اندازه‌گیری زمان و پول، تخمین، تحلیل داده‌ها و حل مسئله را می‌سنجد. اعتبار آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پنج پایه ۰/۸۰ تا ۰/۸۴ گزارش شده است (محمد اسماعیل، ۱۳۷۸).

۴- آزمون سیاهه خواندن (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۷): این آزمون غربالی سریع و ساده است که برای تشخیص کلی یا غربالی اختلال در خواندن دانش‌آموزان پایه‌های اول تا پنجم مقطع ابتدایی طراحی شده است. بدنه اصلی آزمون، مرکب از پنج متن چهل کلمه‌ای خواندنی مناسب برای هر پایه است که در پایان هر متن ۴ سؤال درک مطلب راجع به هر متن، وجود دارد. دانش‌آموز باید در حضور کارشناس، اختلالات یادگیری متن را با صدای بلند بخواند و سپس به سؤالات درک مطلب آن، پاسخ گوید. در نتیجه انجام آزمون در یکی از سه سطح مستقل، آموزشی و دارای اختلال خواندن، قرار می‌گیرد. روایی

بررسی هر نوع اختلال همراه مورد بررسی قرار گرفت و فقط گروه خالص از لحاظ ناتوانی یادگیری در گروه، قرار گرفتند.

روش اجرا

نخست در نوعی بررسی راهنما بر روی ۷ نفر مشکلات موجود در روند کار شناخته شد و تجدید نظرهای لازم در مورد چگونگی اجرای آزمون و چگونگی تشکیل جلسات صورت گرفت؛ پس از انتخاب گروه نمونه و گماردن تصادفی آنها، آزمون قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل (مداخله رفتاری شامل: آشنایی با مهارتهای ارتباطی، شناخت و تنظیم هیجانات و دوستیابی) اجرا شد. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه طی ۱۰ هفته متوالی تحت مداخله قرار گرفتند. ولی گروه کنترل این مداخله را دریافت نکردند. برای رعایت نکات اخلاقی، آزمون با اجازه والدین آزمودنیها انجام شد. در پایان دوره نیز جلسات آموزشی به صورت فشرده برای گروه کنترل اجرا شد. در ضمن، در پایان دوره بروشوری در مورد ویژگیهای این کودکان تهیه شد و در اختیار والدین و معلمان قرار گرفت. در خصوص چگونگی انتخاب عناوین جلسات، عناوین جلسات آموزشی با توجه به ویژگیهای کودکان و براساس تلفیقی از برنامه آموزشی بنرسون (۱۹۹۱)، گریفن (۱۹۹۵)، وبستر- استراتون (۲۰۰۰) وهافمن (۲۰۰۴) واسکنیتزر و همکاران (۲۰۰۷) طرح و تدوین شد. آموزش مطالب کلاس به صورت دو زمان ۳۰ دقیقه‌ای و با فاصله ۱۵ دقیقه استراحت، بازی و پذیرایی انجام شد. برای آموزش، از شیوه‌های فعال یادگیری همچون بارش فکری در اول جلسه پس از طرح یک سؤال، ایفای نقش، به‌وسیله محقق و دیگر دانش‌آموزان، تعویض نقش، بازی، بحث و مناظره استفاده شد. علاوه بر آن، در ضمن دوره، در برخی جلسات فعالیتی به کودکان داده می‌شد و از پشت آینه یک طرفه مواردی مانند مشارکت، خودگویی و همکاری در آنها مورد مشاهده و ارزیابی قرار می‌گرفت و نکات مثبت رفتاری فرد یا افراد مورد نظر در جمع،

اعلام و تأیید می‌شد. اول هر جلسه ابتدا ارزیابی و یادآوری مطالب جلسه گذشته به وسیله همکار محقق که از محتوای آموزش اطلاعی نداشت، به عمل می‌آمد و در پایان جلسات نیز به منظور یادگیری بهتر مهارتها، تکلیف داده می‌شد. اهداف جلسات آموزشی به ترتیب ذیل بود: جلسه اول: ۱- معارفه و آشنایی اعضای گروه با همدیگر و توضیح نوع ناتوانی افراد گروه برای یکدیگر (با هدف پذیرش مشکل و رفع احساس تنهایی) ۲- مفهوم‌سازی و توصیف ناتوانی یادگیری، علائم و پیامدهای آن در عملکرد اجتماعی. ۳- آشنایی با اهداف جلسات مداخله و علت برگزاری جلسات ۴- بستن قرار داد مشارکت و بیان آثار آموزش (به منظور افزایش انگیزه). جلسه دوم: آموزش مهارتهای گفت‌وگو و مواجهه با دیگران در هنگام دیدن آنها (خانواده، دوستان، کارمندان مدرسه). جلسه سوم: شناخت هیجانات با استفاده از تصاویر و با کمک افراد گروه (آرامش، تعجب، غم، خشم، تردید، شادی نگرانی، شرم، بی‌حوصلگی، ترس، گریه). جلسه چهارم: تنظیم هیجانات در زمانها و مکانهای متفاوت با استفاده از طرح داستان. جلسه پنجم: شناخت هیجان خشم و نگرانی. جلسه ششم: آموزش تن‌آرامی. جلسه هفتم: بیان فلسفه دوستی، دوست داشتن و دوست داشته شدن. توصیف تعارضات بین فردی در خانه و مدرسه. جلسه هشتم: بررسی چگونگی دوستیابی افراد گروه، نشانه‌های دوستان خوب و مهارتهای دوست‌یابی. جلسه نهم: روشهای پیوستن به گروه، همکاری و مسئولیت‌پذیری در مقابل دوستان و نکاتی برای تداوم دوستیها. جلسه دهم: جمع‌بندی و مرور جلسات قبلی و پرسش از چگونگی به‌کارگیری مهارتها در طول هفته گذشته و ارائه تکلیف برای تمرین مهارتها برای همیشه.

یافته‌ها

به منظور بررسی تفاوت‌های بین دو گروه از تحلیل کوواریانس استفاده شد و نمرات پیش‌آزمون به عنوان متغیر همگام وارد تحلیل شدند.

جدول ۱- نتايج آزمون لوين در مورد پيش فرض تساوى واريانسهاى دو گروه در مرحله پيش آزمون (۱) و پي گيري (۲)

متغيرها	شاخص آماری	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	معنا داری
پرخاشگری ۱	۰/۰۳۵	۱	۲۸	۰/۸۵	
کناره گیری ۱	۲/۳۵	۱	۲۸	۰/۱۵	
حل مسئله اجتماعی ۱	۱/۱۵	۱	۲۸	۰/۲۹	
اسناد دهی ۱	۱/۳۴	۱	۲۸	۰/۲۵	
پرخاشگری ۲	۲/۹۹	۱	۲۸	۰/۰۹۴	
کناره گیری ۲	۰/۰۸	۱	۲۸	۰/۷۸	
حل مسئله اجتماعی ۲	۱/۴۸	۱	۲۸	۰/۲۳	
اسناد دهی ۲	۰/۰۱۳	۱	۲۸	۰/۹۰	

دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت وجود دارد.

فرضیه ۲- بین میانگینهای تعارضات بین فردی دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پی گیری، تفاوت وجود دارد.

با توجه به جدول ۱ فرض صفر در مورد تساوی واریانسهای دو گروه در همه متغیرها تأیید می شود؛ یعنی پیش فرض تساوی واریانسهای نمرات در دو گروه برقرار است. فرضیه ۱- بین میانگینهای تعارضات بین فردی

جدول ۲- تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل به لحاظ نمره کل تعارضات بین فردی در مرحله پس آزمون و پی گیری

منبع تغییر	شاخص آماری	لامبدای ویلکز	نسبت F	سطح معنا داری	میزان تأثیر	توان آزمون
پس آزمون	۰/۱۳۹	۲۳/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۸۶۱	۱۰۰	
پی گیری	۰/۶۸	۵۱/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۹۳	۱۰۰	

نمرات کل باقی مانده در مرحله پس آزمون مربوط به تأثیر مداخله بوده است و توان آماری نیز برابر با یک شده است. یعنی میزان دقت این تحلیل در کشف تفاوتهاى معنادار صد در صد بوده است. همچنین توان آماری نشان دهنده کفایت حجم نمونه بوده است.

فرضیه ۳- بین میانگینهای خرده مقیاسهای آزمون تعارضات بین فردی دو گروه آزمایش و کنترل، در مرحله پس آزمون تفاوت وجود دارد.

مطابق جدول ۲ تفاوت بین میانگینهای تعدیل شده در مرحله پس آزمون و پی گیری دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ آماری معنادار ($p \leq 0.001$) بوده است؛ بنابراین فرضیه اول و دوم پژوهش تأیید می شود. همچنین میزان تفاوت بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش آزمون ۰/۸۶ و در مرحله پس آزمون ۰/۹۳ بوده است؛ یعنی ۸۶ درصد واریانس در مرحله پیش آزمون و ۹۳ درصد واریانس

جدول ۳- تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل به لحاظ خرده مقیاسهای آزمون تعارضات بین فردی.

منبع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنا داری	میزان تأثیر	توان آزمون
عضویت گروهی	پرخاشگری	۷۳/۶۱	۱	۷۳/۶۱	۳۲/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۸۵	۱۰۰
	کناره گیری	۴۶/۹۰۰	۱	۴۶/۹۰۰	۱۵/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۸۵	۱۰۰
	حل مسئله اجتماعی	۵۲/۲۱۱	۱	۵۲/۲۱۱	۲۱/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۰/۹۹
	اسناد دهی	۱۱/۴۳	۱	۱۱/۴۳	۱۲/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۳۴	۰/۹۱

آماري نیز بين ۰/۹۱ تا ۱۰۰ شده است؛ يعنى ميزان دقت اين تحليل در كشف تفاوتهاى معنادار، بالا بوده است.

فرضيه ۴- بين ميانگينهاى خردهمقياسهاى آزمون تعارضات بين فردى دو گروه آمايش و كنترل در مرحله پيگيرى تفاوت وجود دارد.

همان گونه كه در جدول ۳ نشان داده شده است، تفاوت بين دو گروه آمايش و كنترل در همه خردهمقياسها از لحاظ آمارى، معنادار است. و مداخله رفتارى در مرحله پس آزمون بر گروه آمايش، مؤثر بوده است؛ لذا فرضيه سوم پژوهش تأييد مى شود. همچنين ميزان تفاوت بين نمرات گروه آمايش و كنترل يا تأثير مداخله حاكى از اثربخشى بالا و توان

جدول ۴- تحليل كوواريانس چندمتغبرى (مانكوا) تفاوت دو گروه آمايش و كنترل به لحاظ خرده مقياسهاى آزمون تعارضات بين فردى در مرحله پي گيرى.

منبع تغيير	شاخص آمارى	مجموع مجذورات	درجه آزادى	ميانگين مجذورات	نسبت F	سطح معنا دارى	ميزان تأثير	توان آزمون
پرخاشگرى	۵/۸۳	۵/۸۳	۱	۵/۸۳	۱/۵۱	۰/۲۳۱	۰/۰۶۲	۰/۲۱
كناره گيرى	۹۹/۰۵	۹۹/۰۵	۱	۹۹/۰۵	۳۳/۹۴	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۱۰۰
حل مسئله اجتماعى	۱۵۰/۱۱	۱۵۰/۱۱	۱	۱۵۰/۱۱	۱۰۵/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۲	۱۰۰
اسناد دهى	۷۳/۰۶	۷۳/۰۶	۱	۷۳/۰۶	۹۱/۲۹	۰/۰۰۱	۰/۷۹	۱۰۰

همان طور كه نتايج جدول ۴ نشان داده شده است تفاوت بين دو گروه آمايش و كنترل در سه خردهمقياس كناره گيرى، حل مسئله اجتماعى و اسناد از لحاظ آمارى معنادار ولى در پرخاشگرى معنادار نيست و مداخله رفتارى در مرحله پس آزمون بر گروه آمايش، مؤثر بوده است؛ لذا فرضيه چهارم پژوهش تأييد مى شود. همچنين ميزان تفاوت بين نمرات گروه آمايش و كنترل يا تأثير مداخله حاكى از اثربخشى بالا و توان آمارى نيز يك شده است؛ يعنى ميزان دقت اين تحليل در كشف تفاوتهاى معنادار، بالا بوده است. همچنين توان آمارى نشان دهنده كفايت حجم نمونه بوده است.

همان طور كه نتايج جدول ۴ نشان داده شده است تفاوت بين دو گروه آمايش و كنترل در سه خردهمقياس كناره گيرى، حل مسئله اجتماعى و اسناد از لحاظ آمارى معنادار ولى در پرخاشگرى معنادار نيست و مداخله رفتارى در مرحله پس آزمون بر گروه آمايش، مؤثر بوده است؛ لذا فرضيه چهارم پژوهش تأييد مى شود. همچنين ميزان تفاوت بين نمرات گروه آمايش و كنترل يا تأثير مداخله حاكى از اثربخشى بالا و توان آمارى نيز يك شده است؛ يعنى ميزان دقت اين تحليل در كشف تفاوتهاى معنادار، بالا بوده است. همچنين توان آمارى نشان دهنده كفايت حجم نمونه بوده است.

بحث و نتيجه گيرى

اين تحقيق به منظور بررسى تأثير مداخله رفتارى بر کاهش تعارضات بين فردى دانش آموزان مبتلا به ناتوانى يادگيرى انجام شد. يافته هاى اين تحقيق با يافته هاى تحقيق شكورى فرد (۱۳۷۷)، شهيم (۱۳۸۲)، كرمعلى (۱۳۸۵)، حجازى (۱۳۸۷)، و تورو، ويس برگ، گاروليبستين (۱۹۹۰)، واكلكا، كتز و راجر

(۱۹۹۹) به نقل از هافمن، (۲۰۰۷) همخوانى دارد، از طرف ديگر نتيجه اين تحقيق با يافته بنرسون (۱۹۹۱) همخوانى ندارد؛ چرا كه او در تحقيق خود در خصوص آموزش حل مسئله اجتماعى و پذيرش باز خورد منفى در آزمودنيهاى ۶ تا ۸ سال نتايج معنادارى را مشاهده نكرد. در تحليل نتايج تحقيق حاضر مشخص شد كه مداخله رفتارى توانسته است توانمندى گروه آمايش را براى کاهش تعارضات بين فردى و بهبود رفتارى افزايش دهد. اين يافته با استفاده از نظرسنجى معلم و والدين قبل و پس از پايان دوره نيز تأييد شد. در تبين يافته فوق، مى توان گفت چنين مشكلى نبوده، بلكه کودکان ديگرى نيز هستند كه وضعيتى مشابه او دارند و اين آگاهى احتمالاً در آرامش يافتن او و يادگيرى مهارتها، نقش داشته است. بر اساس تحليل سؤال اول، مبنى بر اينكه آسيب وارد شده از طرف همسالان عمدى يا اتفاقى بوده است، نتايج حاكى از آن است كه ميزان اسناد منفى به همسالان در پس آزمون و پي گيرى کاهش يافته است. در تبين اين نتيجه، شايد بتوان گفت: قرار گرفتن دانش آموز در محيطى دوستانه در جلسات گروهى و علاوه بر آن به

کارگیری مهارت‌های آموخته‌شده در مدرسه موجب بهتر شدن نگرش و قضاوت دانش‌آموز به دیگران شده است. کاهش رفتار کناره‌گیری و افزایش رفتار حل مسئله اجتماعی بر اساس تحلیل سؤال دوم، یعنی میزان بروز رفتارهای کناره‌گیری، پرخاشگری، و حل مسئله، شاید به این علت باشد که احتمالاً شرکت در گروه، زمینه کسب نوعی تجربه مثبت ارتباطی و بهبود نگرش دانش‌آموز با ناتوانی یادگیری به دیگران را فراهم کرده و دانش‌آموزان نه تنها توانستند هیجانات خود و دیگران را بشناسند، بلکه آنها یاد گرفتند که می‌توانند هیجانات خود را مدیریت کنند و به سالم‌ترین شکل آن را بروز دهند. ولی کاهش پرخاشگری در مرحله پس‌آزمون تداوم نداشته است، شاید عادات رفتاری دانش‌آموز از جمله پرخاشگری وسیله‌ای، علت بازگشت مجدد این رفتار باشد. در تحلیل سؤال سوم تحقیق، مبنی بر انتخاب اهداف اجتماعی، مشخص شد که دانش‌آموزان از هدف تلافی کردن، انتقام‌جویی، پرخاشگری عملی و کلامی به سمت انتخاب اهداف مطلوب اجتماعی مانند آرامش داشتن، گذشت و سازگاری و استفاده از فنون حل مسئله اجتماعی تغییر موضع داده‌اند. بریان (۱۹۹۸) در مورد این موضوع معتقد است که انتخاب اهداف اجتماعی نامناسب از سوی کودکان دارای ناتوانی یادگیری، می‌تواند نشانگر پذیرفته نشدن یا نادیده گرفته شدن آنها از سوی همسالان باشد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت: احتمالاً یادگیری مهارت‌های برقراری ارتباط اجتماعی و تنظیم و مدیریت هیجانات موجب کاهش رفتار تکانش‌گری و پرخاشگری آشکار و ناآشکار شده است، و دانش‌آموز احتمالاً در محیطی دوستانه و شاید برای اولین بار به تجربه دریافته است که با انجام رفتار دوستانه، از طرف گروه و محقق به خوبی مورد پذیرش قرار گرفته و بازخورد مثبت دریافت می‌کند و بنابراین بر تداوم اهداف مطلوب تر اجتماعی تشویق و احساس ناخوشایند نسبت به همسال در او کاهش یافته است. در راستای این یافته

داج، کوی و همکاران (۱۹۹۰)، به نقل از طبائیان (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که تفاوت‌های فردی کودکان در تعیین هدفهای اجتماعی باسطح پذیرش آنها از سوی همسالان، ارتباط دارد. هرچه سطح رابطه با همسالان بهتر باشد، کودک اهداف اجتماع گرایانه را که مهم‌ترین آنها حل مسئله است، بیشتر انتخاب خواهد کرد. بر اساس تحلیل سؤال چهارم، مبنی بر ادراک خود کارآمدی نتایج مبین این است که ادراک خود کارآمدی گروه آزمایش در زمینه‌های مثبت اجتماعی افزایش یافته است، ادراک خود کارآمدی یعنی اینکه دانش‌آموز خودش را در چه حیطه‌ای کارآمد می‌داند. خود کارآمدی کودک ملاکی برای ارزیابی و برنامه ریزی ذهنی برای پیدا کردن و نگه‌داری دوستان عامل مؤثری در اثرگذاری بر احساس خود کارآمدی دانش‌آموزان در زمینه‌های مثبت اجتماعی بوده است. از یافته‌های دیگر پژوهش اشاره به تداوم اثر درمانی آموزش در بهبود عملکرد دانش‌آموزان است. بدین ترتیب که نتایج آزمون پیگیری نشان داد، میزان کاهش رفتار کناره‌گیری و افزایش حل مسئله دانش‌آموزان در طول زمان تقریباً ثابت مانده است. این یافته همسو با نتایج تحقیق گریفن (۱۹۹۵) و برای سرمایه‌گذاری کلان و در حد آموزش و پرورش، امیدوارکننده است.

از سوی دیگر بین خرده‌مقیاسهای آزمون در مقیاس هدفهای اجتماعی در پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود داشت و تحلیل واریانس بین خرده مقیاسهای آزمون در مقیاس ادراک خود کارآمدی بیان‌کننده آن بود که میزان انتخاب گزینه‌های تلافی کردن، دوری کردن از دیگران و داشتن احساس بد به همسال در مرحله پس‌آزمون و پی‌گیری به طور معناداری کاهش و میزان آرامش‌یابی و سازگاری به طور معناداری افزایش یافته ولی اثبات باعرضگی و قدرت تغییر معناداری نداشته است. علاوه بر آن، بررسی تکالیف هر جلسه به طور شفاهی مبین این بود که دانش‌آموزان، مهارت‌های آموخته شده را بیشتر در

یادداشتها

Wachelka, Katz & Rager (1)

منابع

امین بیگی، علی (۱۳۷۷). مقایسه مهارتهای حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان عادی و دارای ناتوانی رفتاری ۹ و ۱۵ ساله شهر تهران در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

حجازی، الهه؛ شکوری فرد، معصومه (۱۳۸۷). «رابطه بین پاسخهای رفتاری به محرک اجتماعی مبهم با اسناد نیت، هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. سال چهارم. شماره ۲، ۴۷-۶۵.

حمید، نجمه. (۱۳۸۵). «بررسی اختلال یادگیری ریاضی در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی ناحیه یک شهر تهران اثر آموزش کاربردی، تقویت ژتونی و آرامش عضلانی در کاهش اختلال یادگیری ریاضی در آنان». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی. اهواز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۳۶-۱۹.

فلاح‌چای، حمید رضا. (۱۳۷۳). بررسی اختلال خواندن و نوشتن در بین دانش‌آموزان ابتدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.

شفیعی، بیژن؛ توکل، سمیرا؛ علی نیا، لیلا؛ مراسی، محمد رضا؛ صداقتی، لیلا؛ رقیه، فروغی (۱۳۸۷). «طراحی و ساخت آزمون غربالگری تشخیص اختلال خواندن در پایه‌های اول تا پنجم دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر اصفهان». نشریه شنوایی شناسی، دوره هفدهم، شماره ۲، سال ۱۳۸۷، ۵۳-۶۰.

شهیم، سیما (۱۳۸۲). «مقایسه مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری در دو گروه از کودکان عادی و مبتلا به ناتوانی است یادگیری در خانه و مدرسه». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی ۳۳، ۱۲۱-۱۳۸.

شکوری فرد، معصومه. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین اسناد نیت، هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی در کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری و مدارس عادی سبزوار. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

طبائیان. راضیه. (۱۳۸۶) آموزش مهارتهای اجتماعی به کودکان بیش فعال. پایان نامه کارشناسی ارشد

منزل، در ارتباط با اعضای خانواده و بالاخص با مادر به کار می‌پردازند. شاید علت این رخداد بیان‌کننده احساس نیاز به امنیت روانی این گروه باشد که آنان در درجه اول به احساس آرامش و امنیت نیاز دارند تا بتواند مهارتهای کسب شده را به کار گیرند و شاید بهتر باشد وزارت آموزش و پرورش مهارتهای اجتماعی را در مدرسه آموزش دهد تا تعمیم آنها راحت‌تر صورت گیرد. از محدودیتهای این تحقیق، می‌توان به ناتوانی پژوهشگر در جداسازی دختران و پسران مبتلا به ناتوانی یادگیری و نیز عدم تفکیک نوع ناتوانی و پایه تحصیلی اشاره کرد. از محدودیتهای دیگر این پژوهش، این است که در دو پایه چهارم و پنجم ابتدایی و با تعداد محدودی صورت گرفته، لذا در تعمیم نتایج به سایر پایه‌های تحصیلی و مقاطع دیگر، باید احتیاط لازم صورت گیرد. با توجه به اهمیت سازگاری اجتماعی در خانه و مدرسه، این یافته‌ها می‌تواند برای آموزش و پرورش کشور مورد استفاده قرار گیرد. لذا با توجه به اینکه برنامه مداخله فوق دارای مبانی نظری و پشتوانه و پژوهشی قوی است، لذا قابلیت آموزش به مسئولین مربوطه در آموزش و پرورش و مشاوران و روان‌شناسان درگیر با این گروه را دارد. اگرچه عناوین آموزشی بارها در جلسه و در جلسات بعد تکرار می‌شد ولی به نظر می‌رسد لازم است. طول جلسات بیشتر شود تا تفهیم مطالب به نحو کاملتری صورت گیرد و به‌کارگیری مهارت در انتخاب اهداف بهتر اجتماعی، احساس خودکارآمدی در زمینه‌های مثبت اجتماعی درونی شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دانش‌آموزان هر دو جنس به طور جداگانه و در مقاطع سنی دیگر با تعداد بیشتر و با استفاده از فرم کوتاه‌شده آزمون نیز انجام شود و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود، همچنین پیشنهاد می‌شود از روشهای مداخله‌شناختی، فراشناختی و ترکیب روشهای فوق و مداخله تلفیقی، والدین و کودک نیز استفاده و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

- Kazami, E.(2006). *Psychological factors in learning disabilities unpublished ph. D. Dissertation, university of California, Los. angeles.*
- Lavoie, R.D.(2005). *Its so much work to be your friend: helping the child with learning disabilities find social success publish by. Simon & Schuster. New York. Touch stone*
- Macintosh, r, Vaughn, s & Bennerson, d.(1995). *Fast social rap . teaching exceptional children, skills with a siam and a 27,37-44.*
- Mishna, F.(2003). *Learning disabilities and bullying: double disabilities, 36 (4), 336-347. Jeopardy, Journal of learning. Paula, W.B.(2006). Gestalt play therapy with children receiving remedial intervention unpublished ph. D. dissertation, University of South Africa (south Africa).*
- Rashknid, M (2007). *Journal of learning, Disabilities (January/ February 2009), from: //www.Schwablearning. Org .*
- Schnitzer, C; Andries, C& lebeer. G.(2007) *usefulness of cognitive for socio- emotional and behavior intervention programmes gournal of problems in children with learning disabilities. Research in special education needs. 7, 3 . 1610*
- Oliva, a.& la Greca, a. (1988). *Ghildren with learning strategies. Gournal of learning, disabilities: social goals and disabilities, 21(5), 301-306.*
- Swanson, g. l.& malone,s. (1992). *Social skills and learning of the literature.School psychology disabilitiwe:a meta-analysis review, 21 (3), 427-443.*
- Toro , p. a. weissberg, r.p.gura, g.& liebenstein, n.l.(1990).a *with and without learning disabilities on comparison of children and family social problem- solving skill, school behavior, Background. Journal of learning disabilities,23.*
- Vaughn, s.h.& Sinagub, G.(1998). *Social competence of disabilities: interventions and issues. In b. students with learning disabilities (2 nd. Ed) worg (ed). The incredible years traning series. Washington. Dc: guvenile gustice bulletin . u.s. department of gustice 120.*
- Wilmot, W & hocker, G.(2001). *Interpersonal conflict. New York: Mc new york: sage pulications, g.e. (1996).Learning disabilities-*
- روان شناسی. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- کرمعلی اسماعیلی، سمانه؛ بیات زاده، اکبر؛ حجازی، الهه و شفارودی، نرگس (۱۳۸۵). «مهارت حل مسئله اجتماعی در دانش آموزان دچار ناتوانی یادگیری». *مجله اندیشه و رفتار*. ۱، ۴۲-۳۶.
- محمد اسماعیل، الهه. (۱۳۷۸). *انطباق و هنجار گزینی آزمون پیشرفت تحصیلی ریاضی ایران کی- مت. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.*
- وکسلر، دیوید (۱۳۸۵). *مقیاس تجدید نظر شده هوشی و کسلر برای کودکان، انطباق و هنجاریابی سیما شهیم. شیراز: مرکز نشر دانشگاه.*
- Amaury, s(2007). *The effect of social skill instruction on sport and game related behaviors of children and adolescents with emotional or behavioral disorders. Unpublished ph. D. dissertation , University of Ohio State University .*
- Bender , w. n. & smith . J.k. (1990) . *Classroom behavior of children and adolescents with learning disabilities:A metaanalysis. Journal of Learning Disabilities, 23,298-305 .*
- Bennerson, D. T.(1991). *The effects of an interpersonal prolem program for young children with learning solving skills training university of disabilities. Unpublished ph. D. dissertation, myaimi.*
- Crinean , w J.(1987). *Learned- help lessness in learning disabled. Unpublished ph. D . Dissertation , University of Nebraska Erdly,*
- C . A, & Asher, s. a . (1996). *children's social goals and self- efficacay perception as influences on their responses to ambiguous provocation . Child Development, 67, 1329-1344 ,*
- Griffin, M (1995) . *a study of social competence training maintenance , and generalization in preadolescent learning disabled children Unpubilshed Dissertation, Ford ham University. Hallahan*
- Hoffman, A.(2004) *A Profile of Interpersonal conflict resolution of children wityh learningdisabilities. Retrieved feb 14, 2008, from: <http://www.LDonline. Org>article.*
- Hoffman, A.(2007) *A profile of interpersonal conflict resolution of children with learning disabilities (review). Retrieved feb 14, 2008 , from: <http://www. I Donline . Org>article .*
- Kaplan, H&sadock, B. (2005) . *Comprehensive textbook of psychiatry. Vol IV,8th ed. Publisher: lippincott Williams & wilkins. Philadelphia.*
- Kauffman D.P, J,& Liloyd, J(1995).*Introduction to Learning disabilities Needham Hrighs. MA:Allyx & Balon.*
- Kaval, k.& Forness, s.(1996). *Socias skill deficits and learning disabilities a meta analysis. Journal ofLearning Disabilities,29: (3), 226-237 .*